**غدیر؛ اسلامِ آزاد از سکولاریته**

الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ دينِكُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي‏ وَ رَضيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دينا

1ـ وقتی متوجه‌ی نقش تاریخی و حضور تاریخی جریان غدیر باشیم و آن را با جریان سقیفه مقایسه نماییم، می‌فهمیم که موضوع به دو نوع اسلام نظر دارد.

2ـ با رحلت رسول خدا«صلوات‌اللّه‌علیه‌وآله» به جای ادامه‌ی اسلام از طریق آن‌چه رسول خدا در غدیر متذکر شدند، سقیفه به صحنه آمد و هر چند موجب شد عبادات اسلامی ادامه یابد ولی جهت دیگرِ اسلام یعنی روحیه‌ی تمدن‌سازیِ آن که در آن زمان در مقابل جریان جاهلیتِ حاکم به صحنه آمده‌بود، به حاشیه رفت و عملاً فرهنگ جاهلیت توانست در صحنه بماند در حالی‌که اگر فرهنگ غدیر از طریق امامی معصوم به میان می‌آمد، علاوه بر آن‌که عبادات شرعی به عالی‌ترین شکل در میان می‌ماند، هویتِ تمدنیِ اسلام که چیزی غیر از هویت فرهنگ جاهلیت بود، به ظهور خود ادامه می‌داد.

3ـ آری با آمدن سقیفه، به عنوان نحوه‌ای از اسلامیت، عبادت بت به حاشیه رفت و عبادت‌های دینی به میان آمد ولی ملاحظه می‌کنید اُمویان که طلایه‌دارانِ حیات جاهلیت‌اند با حفظ هویت خود در صحنه می‌مانند تا آن‌جایی که ادامه‌ی سقیفه، کار را به حاکمیت یزیدی می‌رساند که در مقابل سرِ مبارک حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام» می‌گوید:

لَعِبَتْ هاشِمُ بِالْمُلْك فَلا خَبَرٌ جاءَ وَ لا وَحْي نَزَلَ‏

*يعنى؛ بنى‏هاشم(پيامبر صلى الله عليه و آله وسلم و خانواده‏اش) با مُلك و حاكميّت بازى مى‏كردند- اين‏ها دنبال حكومت بودند- وحى و خبرى از طرف خدا در كار نبود.*

4ـ سکولارشدنِ دین آینده‌ای که آینده‌ی تاریخی دین باشد و موجب هویت تاریخی دین در آینده گردد را بر نمی‌تابد، هرچند در مورد عبادات ـ ‌به هرشکل می‌خواهد باشد ‌ـ حساسیتی از خود نشان نمی‌دهد.

5ـ حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام» به عنوان کسی که نظر به «غدیر» دارد می‌فرمایند: «اَیُّهَا النّاسُ؛ اِنَّ رَسُولَ اللّهِ«صلوات‌اللّه‌علیه‌وآله» قالَ: «مَنْ رَاى سُلْطاناً جائراً مُسْتَحِلاًّ لِحُرُمِ اللهِ، ناکِثاً لِعَهْدِ اللهِ، مُخالِفاً لِسُنَّهِ رَسُولِ اللهِ، یَعْمَلُ فِی عِبادِاللهِ بِالاِثْمِ وَ الْعُدْوانِ فَلَمْ یُغَیِّرْ عَلَیْهِ بِفِعْلٍ، وَ لاَ قَوْلٍ، کانَ حَقّاً عَلَى اللهِ اَنْ یُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ»

*اى مردم! پیامبر خدا*«صلوات‌اللّه‌علیه‌وآله»  *فرمودند: «هرکس سلطان ستمگرى را ببیند که حرام* [*خدا*](http://makarem.ir/main.aspx?mid=392829) *را حلال شمرده، پیمان الهى را شکسته و با سنّت رسول* [*خدا*](http://makarem.ir/main.aspx?mid=392829) *مخالفت ورزیده، در میان بندگان* [*خدا*](http://makarem.ir/main.aspx?mid=392829) *به ستم رفتار مى کند و او با زبان و کردارش با وى به مخالفت بر نخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر بیاندازد.»*

6ـ معنای سخن فوق آن است که نمی‌توانیم بدون فرهنگ غدیر جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی آن داشته باشیم وگرنه ناخواسته گرفتار یک نوع سکولاریته‌ی پنهان هستیم. بدین معنا که حاکمیت سیاسی و اقتصادی را به غیر از دین سپرده‌ایم و شیعه با توجه به چنین امری دائماً نظر به «غدیر» دارد تا این موضوع از صحنه‌ی حیات دینی او به حاشیه نرود زیرا به خوبی روشن است که هرگز مشکلات و مسائل جامعه‌ی ما به عنوان جهان منطقه‌ی غرب آسیا مرتفع نمی‌شود مگر با آموزه‌های قدسی و دینی که نظر به حضور تاریخی «دین» دارد و در همین رابطه جایگاه انقلاب اسلامی را می‌توان روشن نمود و هزینه‌هایی که برای تحقق فرهنگ غدیر داده شده است را تحلیل کرد، از جمله هزینه‌ی شهادت شهدای کربلا که تا امروز نیز ادامه دارد تا غدیر فراموش نشود.

7ـ ما، در مسیر بالندگیِ خود باید بدانیم از چه چیزهایی عبور کنیم و به چه چیزهایی رجوع داشته باشیم تا در بی‌آیندگی و بی‌تاریخی قرار نگیریم. از طریق انقلاب اسلامی و سلوک ذیل شخصیت اشراقی حضرت امام خمینی«رضوان‌اللّه‌تعالی‌علیه» اشاراتی در این تاریخ به میان آمده است که زبانِ تفکر انتزاعی، توانِ ارائه‌ی آن را ندارد و زبانِ احساسات معمولی نیز آن را می‌کاهد، نیاز به زبانی داریم که حقیقت را در این تاریخ نشان می‌دهد و این با نزدیک‌شدنِ حقیقت و تاریخ ممکن است، به همان معنایی که قرآن توصیه می‌کند سیر در زمین بکنید و رازِ سقوط جوامع و تمدن‌هایی که نسبت خود را با حقیقت شکل نداده‌اند را، بیابیم و عبرتی باشد برای دولت‌مردانی تا بیش از پیش در تحقّق آرمان‌های غدیری که حضور تاریخی انقلاب اسلامی بیرون از گردونه‌ی تمدن غربی‌ است فکر کنند زیرا مسلّم عبادات دینی منهای حضور تاریخی انقلاب اسلامی در این تاریخ آن نتایجی که ملت ما به دنبال آن‌ هستند را برایشان در بر ندارد.

والسلام